

گفتگو با متخصص هنرمند « سازسازی » ...

گذارم به هنرستان عالی موسیقی افتاد. یکی از هنرجویان قدیم هنرستان آقای حاج محمدی که مدت هشت سال از دیدار قبلی ما میگذشت بر خوردم. مرا با طاق کار خود راهنمایی کرد. کارگاهی بود که سازهای بادی در آنجا تعمیر می شد. از کار و فعالیت گذشته آقای حاج محمدی جويا شدم و در نظر اول پی بردم که در این مدت موفقیت های خوبی بدست آورده است و اکنون عهده دار کاری می باشد که در آن در ایران منحصر بفرود است.

آقای حاج محمدی ضمن ارائه چند قطعه عکس از کارگاههای تولید کننده سازهای بادی آلمان گفت که در آنجا با وسایل خود کار و مجهز آشنائی کامل پیدا کرده و در رشته ساختن سازهای بادی در آلمان فارغ تحصیل شده است. از او خواستم شمه ای از زندگی گذشته و خاطرات آموزنده خود را برای اطلاع خاطر خوانندگان مجله موسیقی نقل کند. وی چنین شروع کرد: در خردسالی پدر و سپس مادرم زندگی را بدرود گفتند و مرا با اندوه فراوان تنها گذاشتند.

پس از پایان تحصیلات ابتدائی جزو هنرجویان موسیقی نظام وارد هنرستان عالی موسیقی شدم. در امتحان ورودی هنرستان با گرفتن نمره ۴ مردود شدم

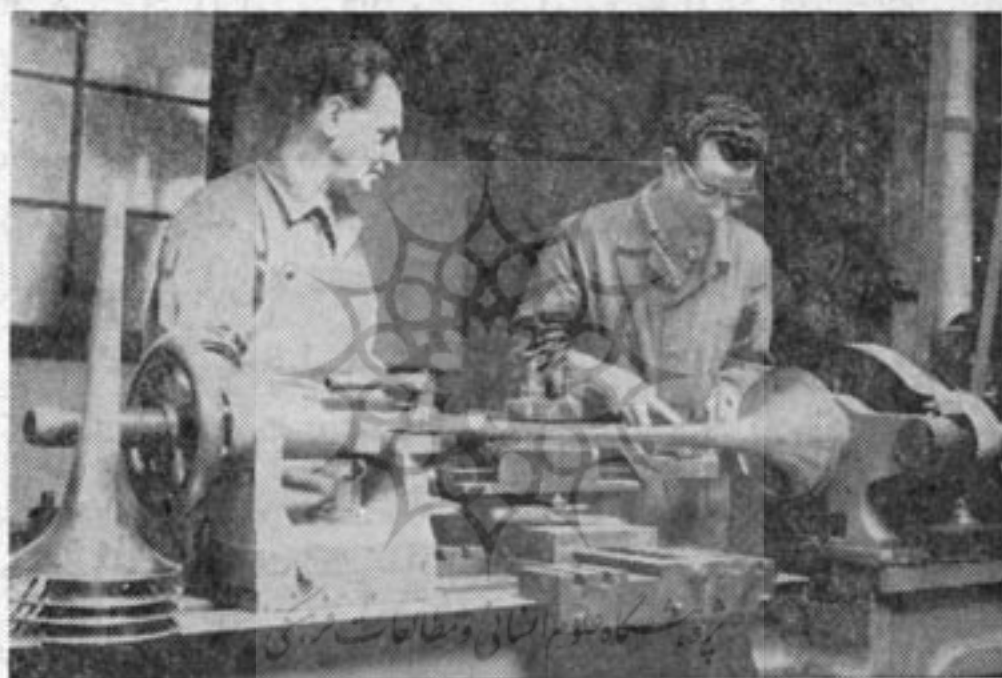
و با اولین شکست مواجه گشتم ولی بهر صورتی بود بخاطر جبران این شکست چنان فعالیت نمودم که بالاخره راه ورود به هنرستان برایم باز شد. برخلاف آنچه در آغاز کار روی داد، در تمام دوره تحصیلی با اینکه برای امرار معاش کوشش میکردم و ناچار بودم مقداری از وقت خود را صرف کارهای متفرقه نمایم، شاگرد ممتازی بودم.

سه سال گذشت. آنروزها رفتن به اروپا بعنوان تحصیل و یا غیره مدروس شده بود و همه جا صحبت از رفتن و موفقیت و... بود. من هم بهم چشمی چند دوست تحصیلی تصمیم گرفتم بهر نحو شده خود را بخارج برسانم و باین قصد چندی بفرار رفتن زبان آلمانی مشغول شدم. بعد از مدتی فعالیت باین نتیجه رسیدم که رفتن بخارج مصلحت نیست و اگر آنروز برای رفتن اقدام میکردم قطعاً برای همیشه مأیوس میشدم، چون نه پول داشتم، نه مدرک تحصیلی، نه پشتیبانی که از من حمایت کند و نه کاری میدانستم که بوسیله آن در دیار غریب امرار معاش نمایم. ولی باین امید صبر کردم و به فعالیت خود در هنرستان ادامه دادم. سالهای آخر تحصیلی سپری می شد و در این اواخر هنرستان ماهیانه مبلغ کمی بعنوان کمک هزینه تحصیلی بمن میداد و بعلاوه در کلاسهای پیش آهنگی بتدریس موسیقی مشغول بودم و تقریباً وضع بدی نداشتم. در دوره تحصیلی متوسطه بنواختن و تکنیک اکثر سازها از جمله کلارینت، ویلن، پیانو، آلات ضربی و تمام سازهای برنجی آشنا شدم. ساز تخصصی من «ترمبون» بود. چون در تمام مدت نوازندگی «ترمبون» از داشتن معلم خوب بی بهره بودم، پیشرفت قابل ملاحظه ای نکردم و اصولاً حس کردم که استعداد خوبی برای نوازندگی ندارم. با وجود این در امتحانات نهائی ششم متوسطه شاگرد دوم شدم.

— از آقای حاج محمدی سؤال کردم چطور شد رشته فعلی را انتخاب کردید و علت علاقه مفراط شما به این کار چیست؟

در پاسخ گفتم: دو چیز مرا به این راه کشانید. اول علاقه ای که به امور فنی در دوران گذشته در من ایجاد شده بود، بدین معنی که من برای تأمین معاش ناچار بودم کار کنم و تقریباً در مدت ۶ سال در کارگاههایی مانند نجاری

آهنگری، باطری سازی و غیره کار کردم و تاحدی بر موز کارهای فنی آشنا شدم. دوم حادثه‌ای که علت اصلی بود: در یکی از روزهای اول سال تحصیلی ششم متوسطه، روزی آقای غریب رئیس هنرستان از من پرسید که آیا از عهده تعمیر سازهای بادی برمی آیم یا نه؟ من تا آنروز در مورد تعمیر سازهای بادی کوچکترین مطالعه علمی و عملی نداشتم، ولی نمیدانم تحت تأثیر چه عاملی جواب مثبت دادم و حتی گفتم که در این کار سابقه زیاد دازم و تقریباً از این راه امرار معاش می‌کنم. روز بعد يك «کلارینت»، و يك «فلوت» خراب از انبار بمن دادند که



حاج محمدی (نفر سمت راست) حین کارآموزی در آلمان

برای آزمایش تعمیر کنم. من ضمن اینکه در مقابل این امر احساس مسئولیت میکردم و می‌ترسیدم مبادا نتوانم از عهده انجام آن برآیم، چون در مقابل عمل انجام شده‌ای قرار گرفته بودم پذیرفتم و با کمک دو نفر از دوستان نوازنده خود در منزل شروع به تعمیر سازها نمودم. در این ضمن حس کردم که این کار حساس چقدر مورد نیاز کشور ما میباشد و تعجب میکردم که چرا تاکنون کسی باین فکر نیافتاده و باین مسئله توجهی نشده است. این کار مورد علاقه من واقع شد و تصمیم گرفتم رشته آنرا شروع و به پایان برسانم. در ظرف یکسال

آخر تحصیلی مقدمات این رشته را فرا گرفتم و آماده مسافرت به اروپا شدم تا در این زمینه اطلاعات خود را کامل نمایم. در اینجا لازم میدانم از زحمات آقای غریب رئیس هنرستان عالی موسیقی که در راه بشمر رساندن استعداد من از هیچگونه کمک و لطف خودداری ننمودند صمیمانه و قلباً تشکر کنم.

با پیشنهاد آقای غریب و موافقت مقام معظم ریاست کل هنرهای زیبا از طرف هنرهای زیبای کشور برای ادامه رشته ساختن سازهای بادی عازم کشور آلمان شدم. قرار مدت اقامت من در کشور آلمان یکسال بود و چون این مدت برای تکمیل رشتهام کافی نبود یکسال دیگر آنرا تمدید نمودم و در این مدت در رشته سازندگی سازهای بادی برنجی کارآموزی کردم و بالاخره دوره سه ساله رشته مزبور را در مدت دو سال با امتیاز خوب گذراندم. چون دوره اقامت من در آلمان پایان رسیده بود بایران مراجعت کردم و تقاضای تمدید یکسال دیگر را برای گذراندن دوره سازندگی سازهای بادی چوبی در آلمان نمودم. موافقت مقام محترم ریاست کل هنرهای زیبای کشور در این مورد مرا بیش از پیش دلگرم و امیدوار نمود. یکسال دیگر گذشت. پیشرفت یکسال آخر من بی شباهت به اعجاز نبود، چه برای ممتحنین بهیچ وجه قابل قبول نبود کسی بتواند یک دوره سه ساله سازندگی سازهای بادی چوبی را در مدت یک سال تمام کند و آنهم با امتیاز خیلی خوب. *مطالعات فرنگی*

در هر حال پس از اخذ دیپلم در رشته سازندگی سازهای بادی چوبی به ایران مراجعت کردم و بلافاصله شروع بتأسیس کارگاه نمودم. از آقای حاج محمدی راجع به یک فلوت و ساز دیگری که روی سه پایه در کارگاه جلب توجه میکردند سؤال نمودم.

گفت: با وجود نبودن وسیله کافی در کارگاه موفق شده‌ام این فلوت را بسازم و ساز دیگر یک سرنا میباشد. سالها است که روی تغییر و تحول سازهای ملی کوشش میشود و تا حدی در اصلاح آنها و رفع نواقص موفق شده‌اند ولی سازهای بادی بومی ما بهمان صورت باقی مانده است. اولین بار که بحضور جناب آقای پهلبد شرفیاب شدم فرمودند مطالعاتی در زمینه اصلاح سازهای بومی بنمایم. تا کنون بعلت تعمیر تعداد زیادی سازهای خراب وقت مطالعه نبود تا

اینکه چندی قبل شروع باصلاح ساز «سرنا» نمودم.

این سرنا باحفظ اصالت طنین و «سونوریت» ساخته شده است. سرنا معمولی و بومی دارای هشت صدا میباشد و درمورد ساختن آن هیچگونه قید و شرطی مبذول نشده و در نتیجه هر کسی برای خود نوعی میسازد و نوعی مینوازد. سازهای سرنا اصولاً هیچکدام با هم یکصدا نیستند و بهمین دلیل برای سرنا در ارکسترهای موسیقی ملی راهی نیست. این سرنا اولین کار ما در زمینه اصلاح ساز میباشد و در این کارگاه آنرا با استفاده از چند کلید و تنظیم سوراخها بصورت نیم پرده کرما تیک درآورده و وسعت آنرا تقریباً به دو اکتاو رسانیده ایم و امیدوارم که در سالهای آینده این ساز در حدود وسعت صوتی دیگر برای سهولت کار نوازنده در ارکستر ساخته و تکمیل شود و مورد استفاده قرار گیرد.

— چون دو نمونه از سازهای بادی ساخته‌های آقای حاج محمدی چندی قبل در شمار سازهای ساخت متخصصان ایرانی به پیشگاه مبارک اعلیحضرتین عرضه گردید و مورد توجه ملوکانه واقع شده بود، از ایشان درباره ادامه ساختن انواع سازهای بادی چوبی و برنجی سؤال کردم.

آقای حاج محمدی گفت: در آلمان ضمن کار با وسائل کامل مجهز و خودکار همیشه آرزو میکردم که در ایران نیز با استفاده از چنین وسایلی بتوانم خدمت کنم و اکنون در نتیجه نبودن وسیله کافی ناچارم بیشتر اوقات خود را بنعمیر سازها بپردازم. البته این نهایت آرزو و خوشحالی من است که بتوانم در آینده نزدیکی با پشتیبانی و کمک هنرهای زیبای کشور موفق به فعالیت در یک کارگاه کامل و مجهز شوم و با دسترسی به وسایل کافی و ساختن و عرضه نمودن سازهای مختلف بادی چنانکه باید خدمتی به وطنم بکنم.

س - خدیری